

تحلیلی بر اقتصاد روسیه

مترجم: تهیینه مولانا

اقتصادهای جهان ظرف ۲۰۰۸-۰۹ از بحران سراسری به شمار می‌رود که دلیل آن را می‌توان از یک سو در سقوط قیمت‌های نفت و از سوی دیگر لغو اعتبارات خارجی که بانک‌های روسیه و موسسات بر آن تکیه داشتند جستجو کرد.

در اواخر سال ۲۰۰۸، به منظور کاستن از روند پرشتاب تنزل ارزش روبل، بانک مرکزی روسیه یک سوم از ۶۰۰ میلیارد دلار ذخیره بین‌المللی، سومین ذخیره بزرگ دنیا، را هزینه کرد. همچنین دولت این کشور مبلغ ۲۰۰ میلیارد دلار را به برنامه‌ی حمایتی به هدف بالا بردن نقدینگی در بخش بانکداری و نیز کمک به موسسات ناتوان در بازپرداخت وام‌های خارجی (که زمان سررسیدشان نزدیک بود) اختصاص داد.

به نظر می‌رسد که کساد اقتصادی در اواسط ۲۰۰۹ به انتها رسیده و با آغاز نیمه دوم این سال نشانه‌هایی از شروع دوران رشد هرچند تدریجی پدیدار گشت. چالش‌های بلند مدت از جمله کاهش نیروی انسانی، فساد مالی، و زیرساخت‌های ناکارآمد و نیازمند سرمایه‌گذاری کلان، در پیش روی اقتصاد روسیه تهدیدی جدی محسوب می‌شوند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه دستخوش تحولات چشمگیری گردیده است و این در حالی بوده که از اقتصادی منزوی و متمرکز (اقتصادی که در یک مرکز برنامه ریزی می‌شود)، به سمت اقتصادی مبتنی بر بازار و یکپارچه با دنیا تغییر وضعیت می‌دهد. به دنبال دگرگونی‌های اقتصاد در دهه ی ۱۹۹۰، اینک اغلب صنایع، به غیر از استثنائاتی در شاخه‌های انرژی و نظامی، به بخش خصوصی واگذار شده‌اند. در حال حاضر، گرچه فرآیند خصوصی‌سازی سرعت یافته و مالکیت در حال خروج از وضعیت متمرکز می‌باشد لیکن، پشتیبانی از حقوق مالکیت چندان قوی نیست و بخش خصوصی از دخالت کامل دولت رهایی نیافته است.

صنعت روسیه اصولاً بین دو گروه قسمت شده که عبارتند از: اول تولیدکنندگان کالا که حاضر در عرصه‌ی رقابت بین‌المللی می‌باشند- در ۲۰۰۹ روسیه رتبه ی بزرگترین صادرکننده ی گاز طبیعی جهان، دومین صادرکننده نفت، و سومین صادرکننده استیل و آلومینیوم به خود اختصاص داد- و دوم سایر صنایع سنگین کمتر رقابتی که همواره وابسته به بازار داخلی باقی می‌مانند. این گونه اتکا بر صادرات کالا، روسیه را هنگام تغییرات ناگهانی در قیمت‌های جهانی آسیب پذیر می‌کند. هر چند دولت روسیه از ۲۰۰۷ اقدام به اجرای یک برنامه تازه در ارتباط با این وابستگی و بالا بردن توان بخش‌های تکنولوژیکی نموده، اما تاکنون نتایج اندکی حاصل شده است.

در زمینه‌ی احیای کشاورزی، روسیه کام‌های چشمگیری برداشته، برای مثال در سال‌های اخیر این کشور از واردکننده گندم به یک صادرکننده محصول مبدل گردیده است. از ۱۹۹۸ یعنی سال بحران مالی روسیه، اقتصاد این کشور به طور متوسط ۷ درصد رشد داشته است، که دستاورد آن، دوبرابر شدن درآمد واقعی (درآمد پس از کسر مالیات و بیمه) و پیدایش طبقه‌ی متوسط بوده است.

با این وجود اقتصاد روسیه یکی از صدمه دیده ترین